**لیلةالقدر درنگاه علامه طباطبایى (رحمةالله)**

مهم‏ترین مناسبت ماه مبارك رمضان، شب قدر است كه همواره مورد توجه مؤمنین بوده و خواهد بود. آنچه در پیش روى دارید بحثى پیرامون شب قدر بر اساس نظرات مرحوم علامه طباطبایى رحمةالله در تفسیر شریف المیزان است كه در دو سوره « قدر» و «دخان‏» مطرح گردیده است.

**شب قدر یعنى چه؟**

مراد از قدر، تقدیر و اندازه‏گیرى است و شب قدر شب اندازه‏گیرى است و خداوند متعال دراین شب حوادث یك سال را تقدیر مى‏كند و زندگى، مرگ، رزق، سعادت و شقاوت انسانها و امورى ازاین قبیل را دراین شب مقدر مى‏گرداند.

**شب قدر كدام شب است؟**

در قرآن كریم آیه‏اى كه به صراحت ‏بیان كند شب قدر چه شبى است دیده نمى‏شود. ولى از جمع‏بندى چند آیه از قرآن كریم مى‏توان فهمید كه شب قدر یكى از شب‏هاى ماه مبارك رمضان است. قرآن كریم از یك سو مى‏فرماید: « انا انزلناه فى لیلة مباركة‏.»(دخان / 3) این آیه گویاى این مطلب است كه قرآن یكپارچه در یك شب مبارك نازل شده است و از سوى دیگر مى‏فرماید: « شهررمضان الذى انزل فیه القرآن‏.»(بقره / 185)و گویاى این است كه تمام قرآن در ماه رمضان نازل شده است. و در سوره قدر مى‏فرماید: «انا انزلناه فى لیلة القدر.»(قدر/1)از مجموع این آیات استفاده مى‏شود كه قرآن كریم در یك شب مبارك در ماه رمضان كه همان شب قدر است نازل شده است. پس شب قدر در ماه رمضان است. اما این كه كدام یك از شب‏هاى ماه رمضان شب قدر است، در قرآن كریم چیزى برآن دلالت ندارد. و تنها از راه اخبار مى‏توان آن شب را معین كرد.

در بعضى از روایات منقول از ائمه اطهار علیهم السلام شب قدر مردد بین نوزدهم و بیست و یكم و بیست و سوم ماه رمضان است و در برخى دیگر از آنها مردد بین شب بیست و یكم و بیست و سوم و در روایات دیگرى متعین در شب بیست و سوم است. (1)وعدم تعین یك شب به جهت تعظیم امر شب قدر بوده تا بندگان خدا با گناهان خود به آن اهانت نكنند.

پس از دیدگاه روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام شب قدر از شب‏هاى ماه رمضان و یكى از سه شب نوزدهم و بیست و یكم و بیست و سوم است. اما روایات منقول از طرق اهل سنت‏ به طورعجیبى با هم اختلاف داشته و قابل جمع نیستند ولى معروف بین اهل سنت این است كه شب بیست و هفتم ماه رمضان شب قدر است (2)و در آن شب قرآن نازل شده است.

**تكرار شب قدر درهر سال**

شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و سالى كه قرآن درآن نازل شد نیست ‏بلكه با تكرار سالها، آن شب نیز تكرار مى‏شود. یعنى درهر ماه رمضان شب قدرى است كه درآن شب امور سال آینده تقدیر مى‏شود. دلیل براین امر این است كه:

اولا: نزول قرآن بهطور یكپارچه در یكى از شب‏هاى قدر چهارده قرن گذشته ممكن است ولى تعیین حوادث تمامى قرون گذشته و آینده درآن شب بى‏ معنى است.

ثانیا: كلمه «یفرق‏» در آیه شریفه «فیها یفرق كل امر حكیم‏.»(دخان / 6) در سوره دخان به خاطر مضارع بودنش، استمرار را مى‏رساند و نیز كلمه «تنزل‏» درآیه كریمه «تنزل الملئكة والروح فیها باذن ربهم من كل امر»(قدر / 4) به دلیل مضارع بودنش دلالت ‏بر استمرار دارد.

ثالثا: از ظاهر جمله « شهر رمضان الذى انزل فیه القرآن‏.»(بقره / 185)چنین برمى‏آید كه مادامى كه ماه رمضان تكرار مى‏شود آن شب نیز تكرار مى‏شود. پس شب قدر منحصر در یك شب نیست ‏بلكه درهر سال در ماه رمضان تكرار مى‏شود.

در این خصوص در تفسیر برهان از شیخ طوسى از ابوذر روایت‏ شده كه گفت: به رسول خدا (ص) عرض كردم یا رسول الله آیا شب قدر شبى است كه درعهد انبیاء بوده و امر به آنان نازل مى‏شده و چون از دنیا مى‏رفتند نزول امر درآن شب تعطیل مى‏شده است؟ فرمود: « نه بلكه شب قدر تا قیامت هست.‏»(3(

**عظمت‏ شب قدر**

در سوره قدر مى‏خوانیم: «انا انزلناه فى لیلة القدر وما ادریك ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر.» خداوند متعال براى بیان عظمت ‏شب قدر با این كه ممكن بود بفرماید: «وما ادریك ما هى هى خیر من الف شهر» یعنى با این كه مى‏توانست در آیه دوم و سوم به جاى كلمه «لیلة القدر» ضمیر بیاورد، خود كلمه را آورد تا بر عظمت این شب دلالت كند. و با آیه « لیلة القدر خیر من الف شهر» عظمت این شب را بیان كرد به این كه این شب از هزار ماه بهتر است. منظور از بهتر بودن این شب از هزار ماه، بهتر بودن از حیث فضیلت عبادت است. چه این كه مناسب با غرض قرآن نیز چنین است. چون همه عنایت قرآن دراین است كه مردم را به خدا نزدیك و به وسیله عبادت زنده كند. و احیاء یا عبادت آن شب از عبادت هزار ماه بهتر است.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چگونه شب قدر از هزار ماه بهتر است؟ ( با این كه در آن هزار ماه درهر دوازده ماهش یك شب قدر است.)

حضرت فرمود: « عبادت در شب قدر بهتر است از عبادت درهزار ماهى كه در آن شب قدر نباشد.»(4(

وقایع شب قدرالف- نزول قرآن.

ظاهر آیه شریفه « انا انزلناه فى لیلة القدر» این است كه همه قرآن در شب قدر نازل شده است و چون تعبیر به انزال كرده كه ظهور در یكپارچگى و دفعى بودن دارد نه تنزیل، كه ظاهر در نزول تدریجى است.

قرآن كریم به دو گونه نازل شده است:

1- نزول یكباره در یك شب معین.

2- نزول تدریجى در طول بیست و سه سال نبوت پیامبر اكرم (ص)

آیاتى چون «قرانا فرقناه لتقراه على الناس على مكث ونزلناه تنزیلا.»(اسراء / 106) نزول تدریجى قرآن را بیان مى‏كند.

در نزول دفعى (و یكپارچه)، قرآن كریم كه مركب از سوره‏ها و آیات است ‏یك دفعه نازل نشده است ‏بلكه بهصورت اجمال همه قرآن نازل شده است چون آیاتى كه درباره وقایع شخصى و حوادث جزیى نازل شده ارتباط كامل با زمان و مكان و اشخاص و احوال خاصه‏اى دارد كه درباره آن اشخاص و آن احوال و درآن زمان و مكان نازل شده و معلوم است كه چنین آیاتى درست در نمى‏آید مگر این كه زمان و مكانش و واقعه‏اى كه درباره‏اش نازل شده رخ دهد به طورى كه اگر از آن زمان‏ها و مكان‏ها و وقایع خاصه صرف نظر شود و فرض شود كه قرآن یك باره نازل شده، قهرا موارد آن آیات حذف مى‏شود و دیگر بر آنها تطبیق نمى‏كنند، پس قرآن به همین هیئت كه هست دوبار نازل نشده بلكه بین دو نزول قرآن فرق است و فرق آن در اجمال و تفصیل است. همان اجمال و تفصیلى كه درآیه شریفه «كتاب احكمت ایاته ثم فصلت من لدن حكیم خبیر.»(هود / 1)به آن اشاره شده است. و در شب قدر قرآن كریم به صورت اجمال و یكپارچه بر پیامبر اكرم (ص) نازل شد و در طول بیست و سه سال به تفصیل و به تدریج و آیه به آیه نازل گردید.

ب- تقدیر امور.

خداوند متعال در شب قدر حوادث یك سال آینده را از قبیل مرگ و زندگى، وسعت ‏یا تنگى روزى، سعادت و شقاوت، خیر و شر، طاعت و معصیت و... تقدیر مى‏كند.

در آیه شریفه «انا انزلناه فى لیلة القدر»(قدر / 1) كلمه «قدر» دلالت‏ بر تقدیر و اندازه‏گیرى دارد و آیه شریفه «فیها یفرق كل امر حكیم.‏»(دخان / 6)كه در وصف شب قدر نازل شده است‏ بر تقدیر دلالت مى‏كند. چون كلمه «فرق‏» به معناى جدا سازى و مشخص كردن دو چیز از یكدیگر است. و فرق هر امر حكیم جز این معنا ندارد كه آن امر و آن واقعه‏اى كه باید رخ دهد را با تقدیر و اندازه‏گیرى مشخص سازند. امور به حسب قضاى الهى داراى دو مرحله‏اند، یكى اجمال و ابهام و دیگرى تفصیل. و شب قدر به طورى كه از آیه «فیها یفرق كل امر حكیم.‏» برمى‏آید شبى است كه امور از مرحله اجمال و ابهام به مرحله فرق و تفصیل بیرون مى‏آیند.

ج- نزول ملائكة و روح.

بر اساس آیه شریفه « تنزل الملئكة والروح فیها باذن ربهم من كل امر.»(قدر / 4) ملائكه و روح در این شب به اذن پروردگارشان نازل مى‏شوند. مراد از روح، آن روحى است كه از عالم امر است و خداى متعال درباره‏اش فرموده است « قل الروح من امر ربى‏.»(اسراء / 85) دراین كه مراد از امر چیست؟ بحث‏هاى مفصلى در تفسیر شریف المیزان آمده است كه به جهت اختصار مبحث ‏به دو روایت در مورد نزول ملائكه و این كه روح چیست ‏بسنده مى‏شود.

1- پیامبر اكرم (ص) فرمود: وقتى شب قدر مى‏شود ملائكه‏اى كه ساكن در «سدرة المنتهى‏» هستند و جبرئیل یكى از ایشان است نازل مى‏شوند در حالى كه جبرئیل به اتفاق سایرین پرچم‏هایى را به همراه دارند.

یك پرچم بالاى قبر من، و یكى بر بالاى بیت المقدس و پرچمى در مسجد الحرام و پرچمى بر طورسینا نصب مى‏كنند و هیچ مؤمن و مؤمنه‏اى دراین نقاط نمى‏ماند مگر آن كه جبرئیل به او سلام مى‏كند، مگر كسى كه دائم الخمر و یا معتاد به خوردنگوشت ‏خوك و یا زعفران مالیدن به بدن خود باشد.(5(

2- از امام صادق علیه السلام در مورد روح سؤال شد. حضرت فرمودند: روح از جبرئیل بزرگتر است و جبرئیل از سنخ ملائكه است و روح ازآن سنخ نیست. مگر نمى‏بینى خداى تعالى فرموده: «تنزل الملئكة والروح‏» پس معلوم مى‏شود روح غیر از ملائكه است. (6(

د- سلام و امنیت.

قرآن كریم در بیان این ویژگى شب قدر مى‏فرماید: «سلام هى حتى مطلع الفجر.»(قدر / 5) كلمه سلام و سلامت ‏به معناى عارى بودن از آفات ظاهرى و باطنى است. و جمله «سلام هى‏» اشاره به این مطلب دارد كه عنایت الهى تعلق گرفته است‏ به این كه رحمتش شامل همه آن بندگان بشود كه به سوى او روى مى‏آورند و نیز به این كه در خصوص شب قدر باب عذابش بسته باشد. به این معنا كه عذابى جدید نفرستد. و لازمه این معنا این است كه دراین شب كید شیطان‏ها هم مؤثر واقع نشود چنانكه در بعضى از روایات نیز به این معنا اشاره شده است.

البته بعضى از مفسرین گفته‏اند: مراد از كلمه «سلام‏» این است كه در شب قدر ملائكه از هر مؤمن مشغول به عبادت بگذرند، سلام مى‏دهند.

**پى‏نوشت‏ها:**

1- مجمع البیان، ج 10، ص‏519 .

2- تفسیر الدرالمنثور، ج‏6 .

3- تفسیر البرهان، ج‏4، ص‏488، ح‏26 .

4- فروع كافى، ج‏4، ص‏157، ح‏4 .

5- مجمع البیان، ج‏10، ص‏520 .

6- تفسیر برهان، ج‏4، ص‏481، ح‏1.

**منبع: تبیان**